

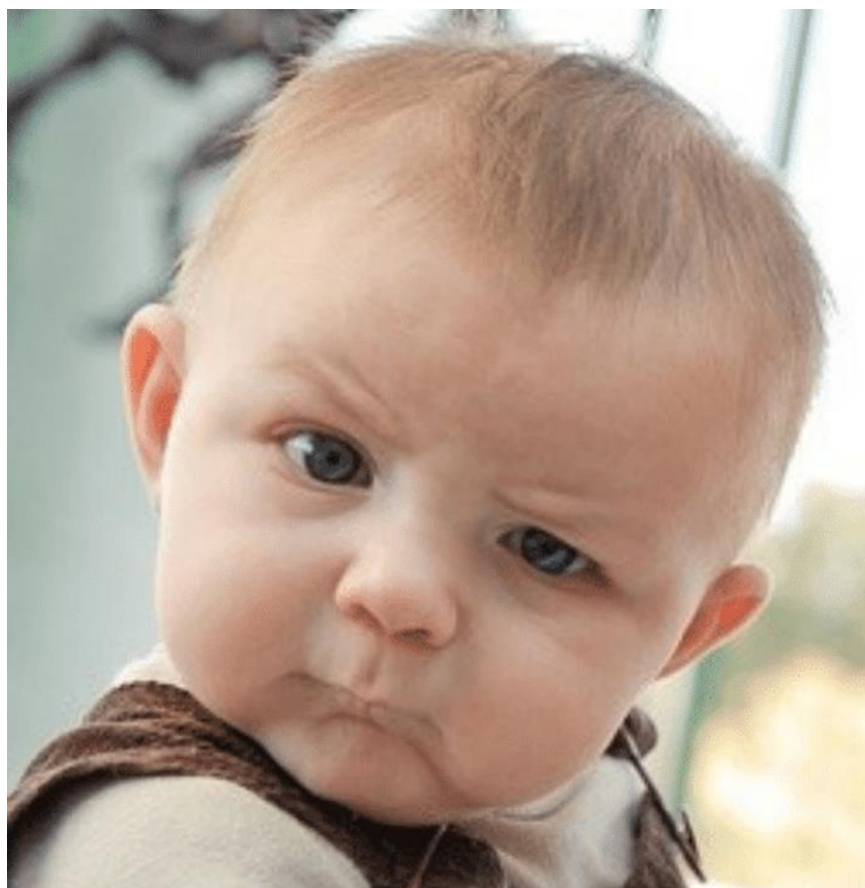
بسم الله الرحمن الرحيم

خبرگزاری فارس

از مجموعه یادداشتهای ریشه یابی مشکلات تحول تعلیم و تربیت - بخش سی و چهارم

۳۰ خرداد ۱۴۰۰

مربی با طمانینه در ارزشیابی زیرکانه



رشد به معنای پرکردن ظرف نیست، به معنای افزایش ظرفیت است. آزمون زیرک، تلاشی زیرکانه برای درگیر کردن شاگردان در فرایند رشد آنها است. ماهیت ارزیابی و بافت آن، در پهنه سکوها دچار تغییر و دگردیسی می شود.

اردوان مجیدی

در سلسله یادداشتهائی، به ریشه یابی و کالبد شکافی مشکلات ماهوی نظام تعلیم و تربیت و ارائه راه حل های ممکن پرداخته بودیم. این سی و چهارمین بخش از این یادداشتهاست.

مربی زیرک و ارزشیابی زیرکانه

پس از اشاره ای به ابعاد پارادایم جدید تعلیم و تربیت، به چند شالوده و سازوکار محوری که باید در سکوهای تعلیم و تربیت، که امروز نقش مهمی را در میدان تعلیم و تربیت ایفا می کنند، اشاره کردیم. در [یادداشت قبلی \(سی و سوم\)](#) به مربی زیرک پرداخته بودیم. از این گفتیم که مربی زیرک، خودش به جای بچه ها تلاش نمی کند؛ بلکه جای تلاش برای بچه ها را باز می کند. به آنها میدان می دهد، و فضائی را فراهم می کند که با شوق و علاقه درونی تلاش کنند. مربی زیرک در ذهن بچه ها چالش ایجاد می کند، آنها را درگیر می کند، و آنها را به تکاپو می اندازد. مربی زیرک، سر بزنگاه، با طرح تک نکته هائی، بچه ها را به حرکت وادار می کند؛ و در مواقع ضروری، با رساندن بچه ها به چیزی که تصور آن را هم نمی کردند، بچه ها را شگفت زده می کند.

در این یادداشت و یادداشت بعدی، به یکی از ابعاد این تدریس زیرکانه خواهیم پرداخت، و از یکی از مهمترین عناصر مورد توجه در یادگیری، یعنی ارزشیابی، صحبت می کنیم. بخصوص خواهیم دید که چگونه با بهره بردن از بسترهای سکوهای آموزشی ایجاد شده، می توان زیرکانه شاگردان را، با ارزشیابی، در کلاس فعال کرد.



به مناسبت انتشار **کتاب "گذار در بحران؛ تعلیم و تربیت در گذار به سمت نظام برتر"**، تالیف نگارنده همین یادداشتها، که توسط انتشارات خبرگزاری فارس، منتشر شده است، این یادداشت و چند یادداشت بعدی، از بخشهایی از کتاب، انتخاب شده است.

مقدمه ارزشیابی در بسته‌های آموزشی

قبل از اینکه از ارزشیابی در پهنه سکوها و پارادایم جدید تعلیم و تربیت صحبت کنیم، لازم است به بسته‌های آموزشی اشاره کنیم. بسته‌های آموزش در پارادایم جدید، صرفنظر از شکل جدید ارائه محتوی، مقدمات ارزشیابی را فراهم می‌آورند.

یک بسته آموزشی شامل منابع چند رسانه‌ای است که یادگیری یک موضوع آموزشی مشخص را تمهید می‌کند. اما استفاده از بسته‌های آموزشی خودش ماجرایی مفصلی دارد.

اگر بسته‌های آموزشی، بسته‌های دروس رسمی باشند، در یک دسته بندی در سامانه آموزشی مدرسه می‌توان این بسته‌ها را مشاهده کرد. در واقع سامانه به صورت خودکار می‌تواند بسته‌های درسی را به ترتیب پیش فرض کتابهای

درسی، به شاگردان ارائه کند. اما مربی بر حسب تشخیص، یا خود شاگردان بستگی به موارد نیاز و علاقه، امکان گرفتن بسته‌ها با ترتیب دیگر را دارند.

بسته‌ها با مطالعه و ضمناً درگیر شدن در فعالیتهایی که در بسته پیش بینی شده، انجام می‌شود. هر شاگرد به صورت انفرادی یا به صورت گروهی، می‌تواند با سرعت متفاوتی بسته‌های واگذار شده یا دریافت شده را انجام دهد. ممکن است یک شاگرد سریعتر از شاگردان دیگر بسته خود را انجام دهد. در این صورت سامانه با نظارت مربی می‌تواند بسته‌های بعدی را به او ارائه کند. همان ماجرایی چند سطحی در طول، سطح و عمق در اینجا به سادگی قابل انجام و مدیریت شدن است.



علاوه بر بسته‌های دروس رسمی، بسته‌های موضوعات دیگر که می‌تواند در کتابهای درسی قرار نداشته باشند، یا مطالبی که در کتابهای درسی پایه‌های دیگر قرار دارند، به صورت آزاد در اختیار شاگردان قرار دارد.

شاگردان فهرستی از بسته‌هایی که به آنها ارجاع شده و در حال حاضر باید انجام دهند، در صفحه داشبورد رایانه خود دارند. ضمن اینکه بسته‌هایی که می‌توانند دریافت کنند نیز برای آنها قابل جستجو است.

بر اساس سیاستهایی که مدرسه و مربی تعیین می‌کند، سامانه‌ها آموزشی بر اساس بسته‌های قبلی انجام شده شاگرد، می‌توانند به صورت خودکار بسته‌های بعدی را به شاگرد یا مربی او پیشنهاد دهند.^۱ ضمن آنکه سامانه، تحلیلی

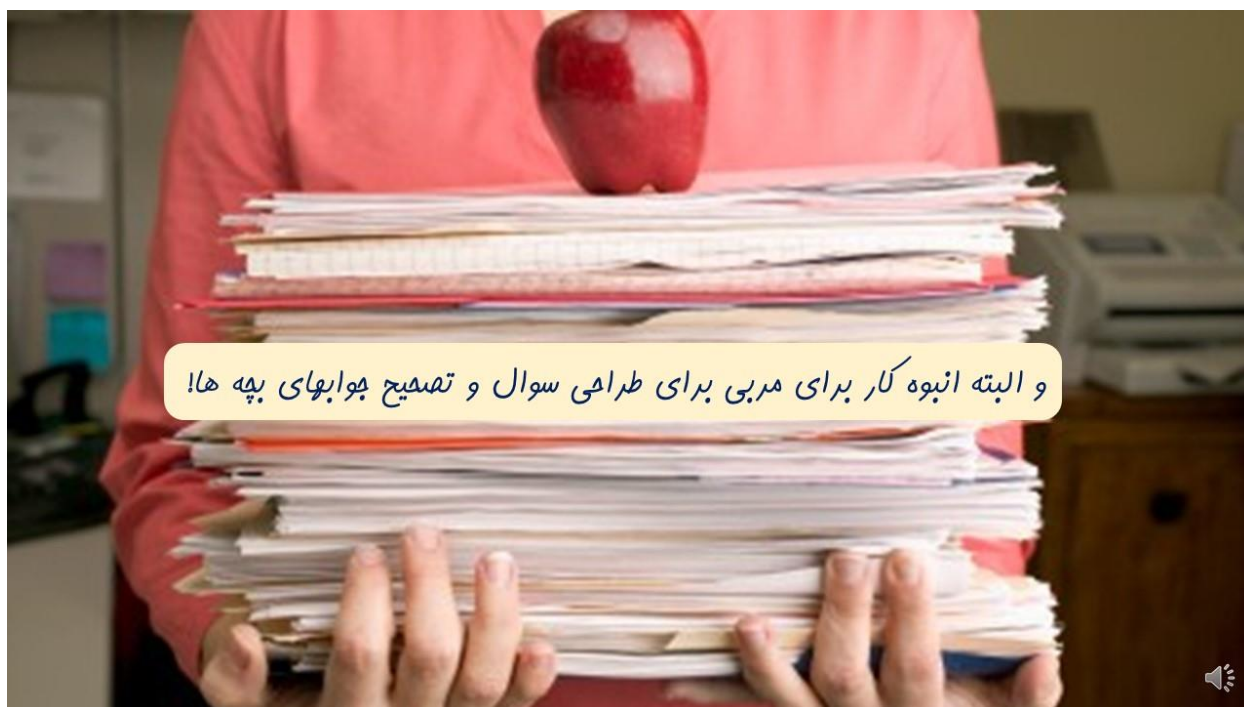
از روند بسته‌هایی که شاگردان می‌گیرند، و جهت‌گیری علاقه‌ها و زمینه‌های استعداد شاگردان دارد. بخصوص وقتی بسته‌ها را با آزمونهای زیرک حمایت می‌کند.



اصلا با هر روز یک آزمون پطوریر؟!

ارزشیابی زیرکانه

وقتی مربی کلاس بخواهد شاگردانش را در مورد موضوعاتی که یاد گرفته‌اند تقویت کند، اولین چیزی که به نظرش می‌رسد، آزمونهای مکرر برای به یاد نگه داشتن و ماندگار کردن یافته‌های قبلی است. معلمینی فعال را سراغ دارم که هر روز چند سوال از بچه‌ها می‌پرسیدند. بچه‌ها هم در این موضوع به تکاپوی شدیدی می‌افتادند. اما مسئله این بود که طرح و تصحیح سوالات، وقت زیادی را از مربی می‌برد.



و البته انبوه کار برای مربی برای طراحی سوال و تصفیج جوابهای بچه ها!

یک طرف دیگر ماجرا این است که وقتی بچه ها با سرعت های متفاوتی حرکت می کنند، امکان برگزاری چنین آزمونهایی وجود ندارد. چون معلم عملانی نمی تواند برای هر شاگرد سوال جداگانه ای را مطرح کند. همین باعث می شود که این طیف از معلمان فعال، همه بچه را در یک سطح نگه داشته و با میانگین گیری از کلاس، درس را ارائه و جلو ببرند. در این مورد و مشکلی که در آن وجود دارد، در یادداشتهای قبلی صحبت کردیم. پس تکلیف ما چیست؟



البته سوالات یکسان برای همه شاگردان!

اما اگر سامانه خود از شاگردان آزمون بگیرد، چطور؟

سامانه در جریان بسته‌هایی که شاگردان مختلف انجام می‌دهند، قرار دارد. هر بسته هم در یک موضوع مشخص تعریف شده است. سامانه می‌تواند بانک عظیمی از سوالات مربوط به موضوعات مختلف داشته باشد، که بتواند تمام موضوعات مرتبط با تمام بسته‌ها را در سطوح مختلف سختی و آسانی، و عمق و زمینه‌های مرتبط، مورد سنجش قرار دهد. سامانه می‌تواند تصحیح آزمون‌ها را خود بر عهده بگیرد، یا به مربی در تصحیح سوالات تشریحی و واگرا نیز کمک کند.

پس سامانه می‌تواند آزمون‌هایی برای تشخیص وضعیت شاگرد در مورد هر بسته داشته باشد. و بر اساس این، سامانه شاگردانی که بسته‌های مختلفی را گذرانده‌اند، به شیوه‌های مختلف مورد سنجش قرار می‌دهد. هر شاگرد بر اساس بسته‌های قبلی که گذرانده، آزمون متفاوت را پیش روی خود خواهد داشت. اما این همه ماجرا نیست.

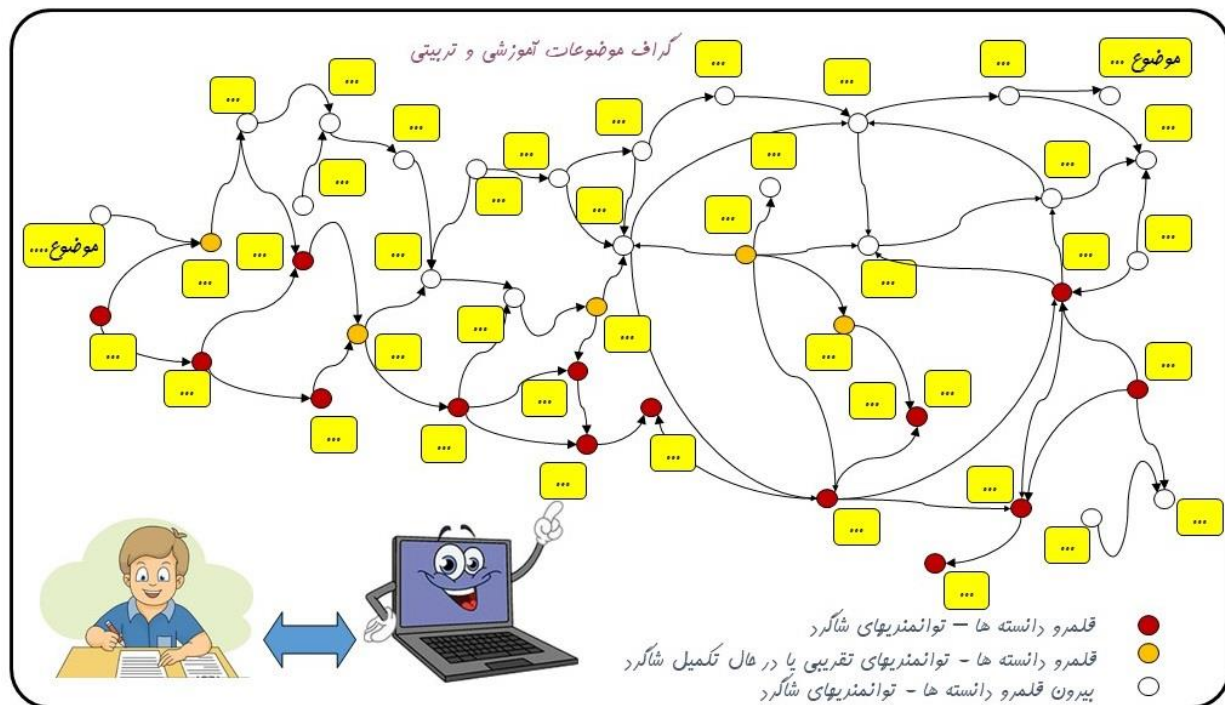


زمانی که شما به عنوان یک معلم خبره در یک کلاس ۲۰ نفره، می‌خواهید از بچه‌های کلاس خود آزمونی بگیرید، مجبورید سؤالاتی را به صورت یکسان طراحی کنید. در بهترین حالت برای طراحی این مجموعه سؤالات (مثلاً ۱۰ سوال)، می‌دانید که چهار نفر از شاگردان شما ۸ سوال از این ده سوال را قطعاً بلدند، پس دو سوال دشوار را برای این شاگردان طرح می‌کنید، تا آنها را با این دو سوال درگیر چالش کنید. همچنین می‌دانید که پنج نفر از شاگردانتان، ۷ سوال از این ده سوال را اصلاً نمی‌توانند جواب دهند، و احتمالاً محدوده درگیری آنها در سه سوال باقی مانده خواهد بود، ولی بقیه شاگردان انجام این سه سوال برایشان کاری نخواهد داشت؛ پس این سه سوال ساده را برای آن پنج نفر در نظر می‌گیرید. اما بقیه ۱۱ شاگرد کلاس شما، که در این موضوع در سطح متوسط قرار دارند،

در ۵ سوال باقی مانده چالش خواهند داشت؛ زیرا پاسخ سه سوال ساده که برای آنها اصلا کاری ندارد، و سراغ دو سوال دشوار هم نخواهند رفت. بنابر این دو سوال دشوار برای ۴ نفر، پنج سوال متوسط برای ۱۱ نفر، و سه سوال ساده برای ۵ نفر طراحی می‌کنید.

ارزشیابی نقطه زن!

ببینیم با این سوالات شما چه اتفاقی برای شاگردان می‌افتد. شاگردان توانمندتر شما فقط درگیر دو سوال خواهند شد، شاگردان متوسط شما درگیر ۵ سوال، شاگردان ضعیفتر شما درگیر سه سوال. اما وقت همه آنها صرف ده سوال می‌شود.



اما اگر برگزاری آزمون را به سامانه دستیار زیرک خود واگذار کنید، چه اتفاقی می‌افتد؟ سامانه شما از یک طرف سطوح مختلفی از سوالات برای تمام موضوعات درسی را می‌داند، و از درجه سختی و سادگی و سطح و عمق آنها اطلاع دارد. از طرف دیگر سامانه از وضعیت هر یک از شاگردان و بسته‌هایی که گذرانده‌اند، و آزمونهایی که قبلا خودش از این شاگردان گرفته است، اطلاع دارد. **سامانه می‌داند که کدام شاگرد، در چه زمینه‌ای ضعف دارد، و کدام موضوع برای کدام شاگرد اصلا موضوع دشواری نیست.** مثلا سامانه می‌داند که جواد، تقسیم دو رقمی را مثل آب خوردن انجام می‌دهد، اما در محاسبات اعشاری کمی لنگ می‌زند و تا الان چند سوال

قبلی در موضوع محاسبات اعشاری را اشتباه جواب داده، یا زمان خیلی زیادی را برای محاسبه و پاسخ آن صرف کرده است. و می‌داند که بابک، در تقسیم دو رقمی مشکل دارد، اما اصلاً توان اولیه برای محاسبات اعشاری را ندارد.

حالا اگر به این دستیار زیرک خود اعلام کنید که هر روز صبح، سر ساعت ۱۰، از شاگردان کلاس به مدت ۲۰ دقیقه آزمون بگیر. دیگر این دستیار زیرک شماست که خودش تشخیص می‌دهد که از کدام شاگرد چه سوالی بپرسد. امروز او چند سوال خود را برای بابک به تقسیم دو رقمی اختصاص خواهد داد؛ به جای اینکه از او در زمینه‌ای مانند محاسبات اعشاری سوال کند، که می‌داند هنوز فاصله زیادی با آن دارد. اما برای جواد سوالاتی از محاسبات اعشاری طرح می‌کند، بدون اینکه وقت او را با سوالاتی در حوزه تقسیم دو رقمی بگیرد، که می‌داند به سادگی به آن پاسخ خواهد داد. او آنقدر در آزمونهای بعدی سوالات خود را از جواد و بابک در زمینه خلاءهایشان انجام می‌دهد، تا این خلاءها رفع شود، و آن دو به سطح توانمندی بالاتری برسند.

اینگونه است که شما با یک سامانه نقطه زن مواجهید. سامانه‌ای که درست به سراغ نقطه ضعفهای شاگردان می‌رود، روی آنها دست می‌گذارد، تا آنها را تقویت کند. نه برای آنکه آن را چماقی کرده و بر سر شاگرد فرود آورد؛ بلکه برای آنکه به او کمک کند نقاط ضعف خود را برطرف کند.



ارزشیابی در مرز توانمندی شاگرد

سامانه آزمون زیرک، نقاط ضعف یک شاگرد را در سطح توانمندیهای مرزی او شناسایی کرده و با آزمونهای مکرر، شاگرد را برای رفع این نقاط ضعف، درگیر چالش می‌کند. آزمونهایی که این سامانه برگزار می‌کند، تقریباً در تمام سوالات آن، برای همه افراد کلاس در هر سطحی که قرار داشته باشند، سوالاتی چالشی خواهد بود که شاگرد باید با آن دست و پنجه نرم کند؛ ضمن آنکه در حد ممکن ارتقاء توانمندی او قرار دارد، و خیلی بالاتر از سطح توانمندی او نیست، که اصلاً انجام آن برای او قابل تصور نباشد.

شاگرد ضعیف‌تر به جای اینکه همیشه فقط سه سوال پیش رو داشته باشد، و همیشه از پس هفت سوال برای پاسخ بر نیاید، و به همین دلیل سرخوردگی دائمی از مواجه شدن با آزمون داشته باشد، الان با ده سوال مواجه خواهد بود که همگی، او را به چالش می‌کشند، و با تکاپو و تلاش، می‌تواند از پس آنها برآمده، نقاط ضعف خود را برطرف کند، و احساس خوبی هم از پاسخ به اغلب سوالات آزمون پیدا کند؛ و از دام سرخوردگی دائمی در آزمونها، رها شود. بتدریج با یافتن اعتماد به نفس در گذراندن این آزمونها، و یاد گرفتن موضوعاتی که در لبه مرز یادگیری آنها قرار داشت و قوی شدن در آن موضوعات، او می‌تواند به سراغ موضوعات بعدی رفته و حرکت و پیشرفت در یادگیری او شکل بگیرد.

و اما شاگرد قوی‌تر، او که همیشه بدون تلاش و بدون زحمت، ۸۰٪ سوالات را پاسخ می‌داد، و فقط ۲۰٪ درصد سوالات برایش چالش‌زا بود. و او که به همین دلیل، توانمندی‌اش در کلاس و با آزمونهای میانگین گیری شده



کلاس خیلی افزایش پیدا نمی‌کرد، و خیلی لازم نبود تا خود را برای آماده شدن برای آزمون به زحمت انداخته و تکاپو کند، و همین به تدریج باعث می‌شد که ظرفیت او به جای رشد صعودی، ثابت مانده یا حتی بعضاً کمتر شود. اما در مواجهه با سامانه آزمون زیرک، دیگر وقت نشستن و خواب خرگوشی او نیست. او هم همان قدر که لاک پشت در تکاپو است، باید تکاپو کند، زیرا اینبار میدان دویدن لاک پشت با میدان دویدن او متفاوت ساخته شده، و باید در میدان توانمندی خود بدود. آنها دقیقاً با یک آزمون ده سوالی مواجهند، که همگی برای آنها چالش‌زا است، و توانمندی آنها را به چالش می‌کشد. پس **همانقدر که لاک پشتها برای پاسخ سوالات خود نگرانند و دغدغه دارند، خرگوشها هم برای پاسخ سوالات خود نگران خواهند بود و باید تلاش کنند.** این باعث می‌شود دائماً ظرفیت خود را افزایش دهند.

اصل ۱+۱۰ را به یاد بیاورید. اگر توان شاگردان ۴، ۷ و ۱۰ واحد است، وقتی میانگین گرفته و به همه کلاس ۷ واحد درس دهیم، کسی که توان او ۱۰ واحد است، بدون هیچ زحمتی، خواسته‌های کلاس را برآورده کرده و برای همین **تلاش او بتدریج کم می‌شود؛** چون می‌تواند با ۹ واحد و حتی ۸ واحد تلاش هم از سطح کلاس بالاتر باشد. پس از مدتی ظرفیت او به ۹ و سپس ۸ تقلیل پیدا می‌کند، و البته در ظاهر او همیشه از سطح کلاس بالاتر باقی مانده است. و کسی که توان یادگیری او ۴ واحد است، همیشه احساس سرخوردگی پیدا می‌کند، و احساس می‌کند که نمی‌تواند خودش را نشان دهد. و این از دست دادن اعتماد به نفس و سرخوردگی دائمی، منجر به **کاهش تلاش او و ضعیف و ضعیف‌تر شدن او** می‌شود، زیرا ظاهر شدن به شکل یک ناتوان، برای او عادی شده است. و کسانی هم که ۷ واحد توانمندی دارند، توان خود را در سطح مطلوب تلقی کرده و **تلاشی برای ارتقاء آن انجام نمی‌دهند.** این ماجرای است که ما در مدارس با **رویکرد میانگین‌گیری** رقم می‌زنیم.

اما اگر بتوانیم به شخصی که توان ۴ دارد، به اندازه ۵ واحد خوراک داده و به اندازه ۵ واحد انتظار از او داشته باشیم، به ۷ واحدی به اندازه ۸ واحد، و به ۱۰ واحدی به اندازه ۱۱ واحد، در هر سه سطح هم شاگردان را در حد توانایی خود توانمند ساخته و به همه اعتماد به نفس داده، در عین اینکه آنها را در لبه توانمندی خود نگه داشته و دائماً برای ارتقاء ظرفیت خود در هر سطحی که باشند، ترغیب و تهیج می‌کنیم. **تعلیم و تربیت خوب نباید فقط ظرف شاگردان را پر کند، بلکه باید ظرفیت آنها را افزایش دهد.** **رشد به معنای پرکردن ظرف نیست، به معنای افزایش ظرفیت است.** و آزمون زیرک، تلاشی زیرکانه برای درگیر کردن شاگردان در فرایند رشد آنها است.

مربی با طمانینه در راهبری زیرکانه

اما نکته جالب این است که مربی در این میدان چقدر نیاز به درگیر شدن و صرف وقت دارد؟ شاید بسیار کم. تمام کارها را سامانه سامان می‌دهد. حتی اگر مربی در سیاستهای ارزیابی که برای سامانه در ارزیابی تعیین می‌کند،

سوالات تشریحی را نیز بگنجانند که خود او باید عملاً در تصحیح سوالات و ارزشیابی آن تک به تک درگیر شود، بازهم زمان بسیار کمتری را نسبت به حالت معمول نیاز خواهد داشت؛ بخصوص در تشخیص سطح شاگرد و انتخاب سوال مناسب برای او.

در بکارگیری سامانه ارزشیابی زیرک، فقط لازم است که مربی نگاه خود را تغییر دهد، درگیر کردن شاگردان در یادگیری را از طریق بسته‌ها محقق کند، درگیر کردن شاگردان را در انجام بسته‌ها از طریق سامانه انجام دهد، سیاست و برنامه مناسبی در ارزشیابی برای سامانه تعیین کند، در سایر ابعاد ارزشیابی که لازم است به نحو مناسب توسط مربی انجام شود، فعال عمل کند، و شاگردان احساس کنند که او در مورد درگیری با سامانه و پایبندی به ضوابط و سازوکارها، جدی است. در واقع **اگر مربی به صورت هوشمندانه و مفید از سامانه استفاده کند، نیاز به زمان و انرژی بسیار کمتری نسبت به حالت معمول، برای دریافت اثربخشی چند برابر، خواهد داشت.**

مربی با فرصت و آرامش بیشتر، امکان این را خواهد داشت که طمانینه و وقار مربی‌گری را به نحو بهتری حفظ کند. او بدون درگیر کردن خود با جزئیات ارزشیابی شاگردان، این مسئله را به سامانه واگذار می‌کند. بدین ترتیب از نقش یک مستنطق در ارزشیابی، که شاگرد خود را با او در ارزشیابی طرف می‌دید، و وجاهت او در تعاملات با شاگرد در این موضوع از بین می‌رفت، به نقش یک مرشد و راهنما تبدیل می‌شود. **مرشد و راهنمایی که رهبری حرکت شاگرد را بر عهده دارد.** و شاگرد به جای ارزشیابی توسط مربی، خود را از طریق یک سامانه در معرض ارزشیابی

قرار می‌دهد، و خود را با او طرف حساب می‌بیند، و خود را در معرض آن قرار می‌دهد، تا توانمندی خود را ارتقاء دهد.



و فرصت بیشتر برای معلم برای ارتقاء و به روز نگه داشتن خودش!

و نکته مهم این است که این سامانه آزمون زیرک، یک خیال یا آرزو نیست، بلکه سازوکاری عملیاتی است که هم اکنون هم موجود و در دسترس است.



اما این تمام ماجرا نیست. ارزشیابی در پارادایم جدید تعلیم و تربیت، مسائل، و ابعاد مهم و قابل توجهی دیگر دارد. در یادداشتهای بعدی، به ابعاد دیگری از مسائل ارزشیابی در پهنه سکوه‌های آموزشی می‌پردازیم. ان شاء الله. الحمد لله رب العالمین.

همچنین در این مورد می‌توانید نگاه کنید به یک [سخنرانی در کنفرانس چهارسوق](#).

انتهای پیام/

کلمات کلیدی

اردوان مجیدی، مشکلات ماهوی نظام تعلیم و تربیت، پارادایم جدید تعلیم و تربیت، سکولهای تعلیم و تربیت، ارزشیابی آموزشی، بسته های آموزشی، آزمونهای زیرک، چند سطحی، تشخیص توانمندیها، فناوری تعلیم و تربیت، گذار در بحران، نظام برتر.

اخبار مرتبط

۱۴۰۰۳۲۷۰۰۴۰۸

۱۳۹۹۱۱۲۱۰۰۴۳۵

۱۳۹۹۰۶۲۴۰۰۱۶۴

۱۳۹۹۰۶۳۰۰۰۳۶۷

۱۳۹۹۰۶۱۷۰۰۰۴۸۰

۱۳۹۹۰۵۰۴۰۰۰۳۷۰

۱۳۹۸۱۱۲۹۰۰۰۳۲۴

۱۳۹۸۱۰۱۰۰۰۰۳۳۶

۱۳۹۸۰۹۲۶۰۰۱۲۸۷

^۱ - مبنای تحقق این مشاوره خودکار و هوشمندانه، وجود ساختار نمایش دانش محتوای آموزشی و بسته ها است. در این مورد از جمله نگاه کنید به (مجیدی، ۷۴).